

آخرین میخ بر تابوت انتخابات!؟

از لحاظ علم زمانی، وقتی امید قطع گردد، مرگ حتماً حادث می شود؛ بناءً آرزو ندارم امید ملت افغانستان را قطع نمایم! اما، افراد مشخص و دو آتشه در هر دو تیم رقیب کشور را به تقابل، تقسیم و تجزیه سوق نمودند، بخصوص تیم زورگویی اصلاحات و همگرایی که در ۳۵ سال گذشته جمعیت اسلامی با شورای نظار خود، یک سر جنگ های خانمان سوز را تشکیل داده است. منافع قدرت های بزرگ، در رأس ایالات متحده امریکا، با وجود ارایه برنامه های از قبل داده شده طرح الف، ب، و ث، که طی سالیان گذشته جمعی از هموطنان ما را جهت تحقق آن به چاکری استخدام نموده بودند خلاف انتظار مستخدمین، از همان آدرس به توصیه های حفظ وحدت ملی! ایجاد حکومت وحدت ملی و . . . مواجه گردیدند.

دیموکراسی صادر شده که اساس آنرا حضور احزاب فراگیر ملی تشکیل می دهد از همان آغاز عمداً، تحویل احزاب خرابکار و متهمین جنگی رقیب قرار داده شد، در جهان نمونه ای وجود نداشت و ندارد که ناقضین حقوق بشری و . . . مجری تحقق دیموکراسی باشند.

بناءً اولین وظیفه یک وطن دوست ترقیخواه، همین خواهد بود که: جهت منافع علیای کشور؛ علیه دولت ضد ملی برخیزد. به ملت کوره دیده ما تفاوتی ندارد که ایالات متحده کدام یک از نامزدان طرف اعتماد خود را رئیس جمهور مقرر میدارد. ولی افراد، گروهها و سازمانهای خود گردان محلی حق ندارند با دیدگاه افراطی و آلوده با تعصب و بهره گیری از وضعیت پیش آورده شده، علیه منافع علیای کشور به وحدت ملی و جغرافیایی ما لطمه وارد آورند. جامعه که نپذیرد فرد فرد اعضایش ارزش هابی خاص خود را دارند، و به پیشروی آن ارزش ها نیز محق اند، نه احترامی برای منزلت فرد قایل است، و نه معنای آزادی را شناخته است.

هموطنان اسیر و امیدوار به صلح! خیمه شب بازی به نام انتخابات!؟ دیگر مفهومی ندارد. تمویل کننده گان و مهره های بازیگر خود بر تابوت انتخابات تقلبی شان میخ کوبیده، برنده شریک در قدرت!؟ یا رئیس جمهور، برنده دوم!؟ همه کاره و ملت اسیر زورگویان دولتی به مراتب نامتجانس تر، ضعیف تر و بخود گرفتار تر از کودتا چیان ۷ ثور، ۸ ثور، طالبان و دولت آقای کرزی، می باشند. قدرت بین این دو تیم تقسیم، " حق به حقدار رسیده و مداخله در آن ظلم است " ! طالبان و نیرو های مسلح نیز در میدان حضور پُر رنگ خود را حفظ می دارند. صلحی در کار نبوده، مردم اسیر هر روز قربانی خواهند داد.

پیشنهاد این کمتر از همه، بگفته ابو سعید ابوالخیر «هیچ کس ابن هیچ کس»، که گفت: " نبینید کی میگوید، بشنوید چی می گوید" چنین است:

برای این دو داکتر صاحب نامزد های قدرت مردم و رأی مردم یا خواسته های توده های میلیونی مطرح نمیباشد. بلکه اینها زیر نام مردم و ملت دم از خواهشات به اصطلاح بانجان چین های دور قاب خویش میزنند. تازمانیکه راه حل عملی برای جذب طرف مقابل دولت کنونی و اندر راه متشکل از همه جنگ افروزان دیروزی، که به قصد موجه نشان دادن اشغال امریکا و متحدانش، آگاهانه مخالفان چون طالبان، یک بدنه از حزب اسلامی حکمتیار و همچنان حقانی را در صف مقابل تمویل و تجهیز مینمایند و اینهمه را گویا ابتکار پاکستان جامیزند ادامه داشته باشد، جنگ را پایانی نخواهد بود.

پس نخست طالبان را تعریف نمایید و باز برتری یا بد تری آنها را نسبت به سایر جنگسالاران واضح سازید! در غیر آن این جنگ فرسایشی فرمایشی سال های دراز دیگر ادامه یافته و مردم افغانستان کماکان طعمه این کشتار های دوامدار خواهند گردید.

دوران همه جنگ افروزان و به اصطلاح زورآوران پایان یافته، کار بایستی به اهل کار و بیرون از حلقه قاتلان مردم سپرده شود و به سود جامعه مدنی کشور سوق گردد. در غیر آن از درخت بید، سیب خواستن انتظار است بیهوده.

به امید وحدت آگاهانه ملت افغانستان دردمند.
به امید صلح عادلانه در سر تا سر افغانستان.

پایان
میر عنایت الله آشفته